

از لابلای یادداشت‌ها و نشستهای روزمره ام

خروج قوت‌های نظامی خارجی از کشور بمتابیه مرکز ثقل گفتگوها

چرا گفتگوهای یادشده، شک و تردیدهایی را با خود به همراه داشت؟

موضعگیری و موقف اپوزیسیون در خصوص یادشده

آیا مذاکرات مطرح به ایجاد و استقرار صلح خواهد انجامید؟
ناراحتی‌های حاکمیت کنونی در کشور
زد و بندهای سیاسی و اقدامات عملی
طرح کلیت مسایل

پس از سال ۱۳۸۶ در کشور که همه امیدوار ختم جنگ و زد و خورد های خونین در اراضی افغانستان بودند، متأسفانه که چنین نشد و آرزومندی فوق‌اصلن از قوه بفعل مبدل نگردید. بلکه بازیگران جنگی جا عوض نموده، آرایش‌های جدید نظامی - سیاسی مطرح بحث قرار گرفته و نحوه سیر حوادث به جهت و مسیری سوق داده شد که هیچکسی حتا تصور آنرا نیز نمی نمود.

قبل از طرح کلی‌ترین مسایل و موضوعات مطرح در مورد، باید یادآور گردید که در نیمه نخست ماه جنوری سال روان، اطلاعات و اخباری در مورد ملاقات و گفتگوی رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده با "طالب"ها به نشر رسیده که در نوع خود، سا یرمباحث دیگر، از جمله آغاز حملات زمستانی شورشی‌ها، مسأله نتایج پا در هوای انتخابات پارلمانی اخیر کشور که تاکنون نیز اعلام نگردیده و همچنان دورنمای انتخابات ریاست جمهوری کشور را در حاشیه قرار داد.

آیا در کابل به "مذاکرات صلح" متذکره به دیده شک و تردید نگاه می‌گردد؟

در مورد بایست خاطر نشان ساخت که نحوه تأمین ارتباط و چگونگی تماس‌های ایالات متحده با "طالب"ها، ممکن بگونه قطعی بر انتخابات پیشروی ریاست جمهوری، بروضعیت جنگی و نظامی و درکل، برمجموعه سیستم سیاسی کشور، اثرگذار واقع گردد. پیش‌نویس بنشر رسیده در وسایل اطلاعات جمعی امریکایی در مورد توافق صلح میان ایالات متحده، "طالب"ها و مقامات رسمی دولت افغانستان توسط مرکز تحقیقاتی "راند" تهیه و ترتیب گردیده است. طرح یادشده، حاوی پیشنهاد ایجاد و برپایی دولت انتقالی با رهبری قابل‌تعویض بوده که تنها پس از سپری گردیدن دوره نسبتن طولانی و انجام انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت مخالفان پیشبینی گردیده است. اما در کابل، عده‌ای از دولتمردان و سیاسیون چنین می‌پندارند که ایالات متحده تلاش می‌ورزد تا دوران چشم مردم کشور و در عقب حکومت وحدت ملی به تغییر سیستم سیاسی کشور مبادرت ورزد. اما باید یادآور شد که هر نوع گفتگو در مورد صلح و آینده کشور بدون سهمگیری فعال جانب حاکمیت سیاسی کشور، هیچگونه کمکی به استقرار و تحکیم صلح در افغانستان نخواهد نمود.

بازی آغازشده، ترفندی بیش نبوده که درکل بمتابیه "مذاکرات صلح با "طالب"ها" بخورد دیگران داده می‌شود که عنوان زیبایی بنظر رسیده و اما با فتنه‌های بیشماری نیز همراه و همصدا می‌باشد. رهبری حاکمیت سیاسی کشور و جامعه افغانی بمتابیه یک کل، بیشتر و اغلب با افکار باز وارد میدان عمل گردیده و خوب می‌دانند که متحدان غربی در این مذاکرات نه تنها در

مورد اشرف غنی، بلکه درصدد آن می باشند تا تمامی رژیم سیاسی کشور را با تمام طول و عرض آن، در روند کنونی و سیستم مورد نظر ادغام نمایند.

درمورد فهرست سیاه سازمان ملل، خروج قوت های نظامی ایالات متحده و سایر بخش ها و نقاط مورد نظر بحث و مذاکره، ازچنین ادعا هایی تذکر بعمل می آید که گویا بویژه پس ازگماشتن خلمی خلیل زاد بمتابه نماینده خاص و رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده در مذاکرات مقدماتی، مذاکرات و ملاقات های یادشده به مراحل جدی و قابل توجهی وارد گردید. درعین زمان، نماینده های اشرف غنی چه درمذاکرات ابوظبی، دوبی و یا درجای دیگری اصلن سهم نورزیدند و باین واقعیت بسنده نمودند که خلیل زاد پس ازهرمذاکره و ملاقاتی، رئیس جمهور کشور را در جریان وقایع و رویدادها قرار می دهد. اما نخبگان کشور بگونه جدی از ارجحیت قایل گردیدن به کلیه خواست های متحدان امریکایی درمذاکرات یادشده هراس دارند.

مدیر سابق مأموریت سیاسی ویژه سازمان ملل در افغانستان، وضعیت را بگونه متفاوتی دیده و معتقد می باشد که رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده ملاقات و گفتگوهای متعددی را با نماینده های "طالب" ها در قطر، پاکستان و امارات متحده عربی انجام داده و با رئیس جمهور افغانستان نیز گفت و شنودهایی داشته است. چنین افاده می گردد که عمده ترین وظیفه ای که امر کایی ها در صدد اجرای عملی آن می باشند، آغاز و تداوم مذاکرات مستقیم و رو در روی "طالب" ها با نماینده های رسمی حکومت وحدت ملی محسوب می گردد. درگام نخست و اوایل امر، "طالب" ها از امریادشده سرباز زده و چنین استدلال نمودند که نخست، سلسله مسایل و مطالبی باید با ایالات متحده حل و فصل گردیده و ملاقات های اینچنینی، اول باید با امریکایی ها صورت گیرد نه با جانب حاکمیت کنونی درکابل.

بحث درمورد حذف نام برخی ازاعضای برجسته جنبش از فهرست تحریم های سازمان ملل و رهایی زندانیان جنگی (که در زمینه پیشرفت های خاصی بمشاهده می رسد)، نیز مطرح بحث می باشد. اما "طالب" ها در مورد اینکه مذاکرات و گفتگوهای صلح باید به خروج قوت های نظامی خارجی از سرزمین افغانستان منجر گردد، بیش ازحد تأکید ورزیده و برموقف شان در مورد(البته نه بگونه فوری) پافشاری نموده و خواهان تهیه و تدوین جدول زمانی چنین بازگشتی می باشند. بگفته بسیاری از کارشناسان، درکنار ایالات متحده، پاکستان نیز برامرفوق صحنه گذاشته و آنرا مورد تأیید قرار می دهد تا به "طالب" ها بمنظور حاضرشدن به مذاکرات مستقیم و رو در رو با نماینده های حاکمیت سیاسی کنونی کشورما فشار وارد نمود. آخرین دیدار و گفتگو درآستانه سال ۲۰۱۹ در ابوظبی با شرکت نماینده های پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی بهدف تأثیرگذا ری بر "طالب" ها انجام گردیده که نتیجه ای بدنبال نداشت، سپس، دور باطل بازدیدهای اینچنینی همچنان تداوم حاصل نمود. درباره اتحاد جدید شمال درکشور باید علاوه نمود که دراین خصوص، حقایق موجود، بیشتربا شک و تردید مورد ارزیابی قرار می گیرد. دیپلوماسی "توپ بدمینتون" خلیل زاد ممکن به نتایجی بیانجامد، اما نباید فراموش خاطر ماگردد که ابتکاردر مورد مذاکرات و گفتگوهای یادشده، به "طالب" ها ارتباط مستقیم دارد. آنها شرایطی را درمورد مطرح نموده اند که ایالات متحده نیز به تعمیم آنها تمایل دارد. این بگونه مستقیم شامل رهایی عده ای از رهبران شناخته شده "طالب" ها از زندان ها می باشد که بخودی خود، بازگوی برنامه صلح ایالات متحده بوده و با استفاده از آن و بکارگیری از وسایل و طرق مختلف، در برگیرنده تلاش های ایالات متحده بمنظور به قدرت رسانیدن "طالب" ها(انتقال قدرت به "طالب" ها) در کشورما بحساب می آید و این واقعیتست کاملن مشهود، همچنان گفتگوها و صحبت هایی درمورد نوعی از دولت انتقالی در شرایط کنونی و تداوم آن برای مدت یکسال ونیم ویا بیشتر از آن، لغو انتخابات ریاست جمهوری سال آینده و ایجاد تغییرات در قانون اساسی کشور نیز مطرح می باشد.

قراربود ایالات متحده بدون شرکت و سهمگیری نماینده های دولت افغانستان، گفتگوهایی با "طالب" ها و نظامیان پاکستانی انجام دهد، اما گفتگوهای یادشده بدلائیل مختلفی معطل قرار داده شد وچنین مذاکراتی کنون سربراه نخواهد گردید. قبل بر این توافق بعمل آمده بود که بتاريخ ۱۸ ماه فبروری سالروان، گفتگوهای یادشده میان هیأت مذاکره کننده ایالات متحده، "طالب" ها و پاکستان در اسلام آباد آغازگردد.

مطابق اخبارواصله منابع اطلاعاتی، بعلت موجودیت فهرست سیاه ایالات متحده، نماینده های "طالب" ها نتوانستند به اسلام آباد سفرنمایند.

قابل تذکار پنداشته می شود که "طالب" ها، مشتاق صلح نبوده بلکه تشنه قدرت می باشند که موجودیت چنین سناریویی، موجبات نگرانی و تشویش روسیه، ایران، هند، جمهوری مردم چین و کشورهای آسیای مرکزی را ببار می آورد. یادآور باید

شد که حتا در صورت برآورده شدن خواست های "طالب" ها، هیچکسی نمی تواند رفتار و موضعگیری های آنها را در قبال وضعیت کنونی و آینده، پیشبینی نماید. احتمال پذیرش آنها در یک کابینه ائتلافی مشخص، نیز بعید بنظر می رسد. "طالب" ها نیاز دارند تا ایالات متحده هرچه زودتر سرزمین و اراضی افغانستان را ترک گفته و آنها ("طالب" ها) به کابل برگردند. اما در عین حال خودشان درچنین وضعیتی با اصل ثبات سازگار نخواهند بود.

درشرایط و اوضاعی که هیچ نیرویی به سادگی از قدرت انصراف نورزیده و یکی درپی حذف دیگری همت گمارد، آغاز زد و خوردها داخلی، مجددن کشورما را مورد تهدید جدی قرار خواهد داد که با آغاز چنین مخاصمات مانند سال ۱۳۶۹، آتش جنگ های خاتمانسوزی درکشور شعله ور گردیده و بگونه ناگزیر، کشورهای منطقه نیز به آتش جنگ آغازشده هیزم ریخته و درحوادث بوجودآمده، بگونه مستقیم سهم خواهند ورزید که درگام نخست می توان از کشورهای هند و پاکستان نامبرد. دولت روسیه تاکنون بایجاد و تشکیل جبهه ثابت ضد "طالب" ها درمنطقه مبادرت نورزیده و همچنان باید یادآورشد که اصلن از پلان پیشبینی شده دونالد ترامپ نیز انتظار بیشتری نمی تواند متصور باشد.

در زمینه یادشده، یادآوری اعلامیه وزارت امورخارجه فدراتیف روسیه را نباید فراموش نمود. در بخشی از اعلامیه یاد شده، خاطر نشان گردیده که مسکو بهیچوجه درصدد اجرای عملی فعالیت ها و اقدامات جنگی در اراضی متعلق به افغانستان نمی باشد، همچنان در اعلامیه یادشده می خوانیم که وضعیت کنونی در افغانستان، بمثابه علایم هشدار دهنده ای برای آسیای مرکزی محسوب می گردد، چه، وضعیت کنونی دشواری خاص خود را دارد و بهیچوجه نباید وضعیت سال ۱۳۶۹ در سرز مین افغان ها مجددن تکرار گردد.

بتاریخ ۲۰ ماه فبروری سالروان، معاون بخش خدمات مطبوعاتی وزارت امورخارجه ایالات متحده در جریان مصاحبه مطبوعاتی پس از اظهاراتی، تمامی کشورها را به حمایت از مذاکرات صلح در افغانستان تشویق نمود. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که سیاست ایالات متحده مبتنی برحمایه و پشتیبانی از کلیه اقدامات و ابتکاراتی می باشد که سبب تقویت مذاکرات صلح افغانستان بمفهوم عام کلمه و موفقیت در امر مذاکرات مستقیم و رو در روی نمایندهای دولت افغانستان و "طالب" ها بمفهوم خاص کلمه گردد.

نماینده خاص ایالات متحده در امور مسایل صلح در کشورما، پس از ملاقات و گفتگو با اشرف غنی، کابل را ترک نمود. تصویری گردد که اینهمه، جزیی از فعالیت ها و چگونگی عملکردهای ایالات متحده بمنظور سازماندهی و اجرای مذاکرات بین الافغانی محسوب می گردد.

قابل یادآوری می باشد که در اواخرماه جدی سال پار، مذاکرات "طالب" ها و ایالات متحده دردوحه صورت گرفته و در نتیجه ایالات متحده و "طالب" ها در مورد مسایل و موضوعات اساسی توافق صلح به موافقهایی نایل گردیدند که از جمله، "طالب" ها، عدم پناه دادن به گروههای تروریستی را در اراضی تحت نظارت شان در افغانستان، تضمین نمودند.

خاطر نشان باید نمود که صلح و ثبات بمثابه یکی از آرزوهای قدیمی و همیشگی مردم کشور عزیزما را تشکیل می دهد تا با استفاده از شرایط و وضعیت یادشده، در جهت تثبیت هویت سیاسی کشور، حفظ استقلال و تأمین رشد و انکشاف میهن دوست داشتنی خویش، گام های بلند و استواری برداشته و سعادت همیشگی را برای کشور و هموطنان رنج دیده خویش بارمغان آورده، موارد عینی موجود در کشور را که بمثابه موانع رشد و شگوفایی جامعه افغانی پنداشته می شود، باید مورد بررسی همه جا نیه قرار داده و در امر رفع و زدودن همه ی آنها از مسیر رشد یابنده و تکاملی کشور، سعی و تلاش های خستگی ناپذیر و مستمر ی باید صورت گیرد. اگر آتش بس مراعات نگردیده و به خونریزی و جنگ برادر کشی نقطه پایان گذاشته نشود، از برقراری و تأمین صلح در کشور خبری نخواهد بود.

در گام نخست باید اصل مستقل بودن کشورما مطمح نظر بوده، افغانستان مستقلی که در آن زنان از کلیه حقوق و جایب شان برخوردار بوده و اصل تبعیض جنسیتی میان زن و مرد مردود پنداشته شود.

عده ای از هموطنان، چنین می پندارند که "دیالوگ بین الافغانی"، در نوع خود سبب تحکیم اعتماد متقابل و همکاری میان روسیه و ایالات متحده خواهد گردید که همکاری و هماهنگی کشورهای نامبرده را می توان از جمله موارد مثبتی به هدف دستیابی با اهداف مطروحه از جمله بمنظور ایجاد و تحکیم صلح پایدار در اراضی کشور پنداشت.

چنانچه بگونه مکرر، از این مسأله یادآوری بعمل آمده که کشورهای منطقه می توانند بمنظور فایق آمدن بر مشکلات کنونی، معاونت ها و کمک های لازمی و ارزنده ای بجانب کشور ما مبذول نمایند. کشورهای همجوار افغانستان مانند ایران،

پاکستان همچنان کشورهای منطقه مانند هند، ترکیه، عربستان سعودی، ازبکستان و قزاقستان، باید بخشی از راه حل مشکل کشورما محسوب گردیده و سهم عمده ای در امر نایل گردیدن با اهداف مطروحه ایفا نمایند که از جمله یکی هم ایجاد صلح پایدار و تحکیم امنیت سراسری در اراضی و قلمرو مربوط به کشور عزیزما در صدر همه موارد مطرح قرار می گیرد که در نتیجه آن، باشد تا میهن و هم میهنان ما به سعادت و ترقی نایل گردیده و باشندهای کشورما شاهد اعاده صلح و امن و امان بوده و در امنیت و آرامش بسر برند.

این مسأله بمتابه واقعیت میرهن و انکارناپذیرباید پذیرفته شود که افغانستان خانه مشترک همه افغان ها می باشد و بمنظور ر اعمار مجدد کشور و جامعه، شرایط عودت مجدد آنهمه افغان هایی که بدلائل مختلفی سرزمین آبی و اجدادی شان را ترک نموده اند، باید مساعد و مهیا گردد. بنابراین، افغانستان باید در کلیه مناسبات و برخورد های منطقوی و جهانی موقف بیطرفی را اختیار نماید. از آنجایی که کشورما در طول مدت زمان طولانی پس از تشکیل آن به محل تلاقی تضادهای قدرت های منطقوی و جهانی مبدل گردید، کشورهای بیشماری از شرق و غرب بمنظور دستیابی به منافع منحصر بفردشان، علیه کشورما با استفاده از عوامل فتنه و دسیسه، به اقداماتی متوسل گردیده و کشور عزیزما را با همه هستی مادی و معنوی آن لگدمال نمودند. متأسفانه، افغانستان همیشه بمتابه لقمه خوشمزه ای توسط قدرت های منطقوی و جهانی پنداشته شده است، کشورما در همجواری و در میان کشورها بزرگی چون روسیه، چین و هند و همچنان در میان کشورهای منطقه چون ایران، پاکستان و ترکیه قرار دارد. اما چگونگی و نحوه ارتباط و مناسبات کشورما با اینهمه کشورهای جهان و منطقه بخود افغان ها ارتباط دارد. این مهم است که کشورهای مختلف با استفاده از کمک ها و همکاری های دوجانبه درصدد تأمین منافع شان در کشورما باشند و نه بگونه یکجانبه.

بمنظور انجام اقدامات عملی و مؤثر باید تلاش صورت گیرد. مردم کشورما به دسته بندی ها و گروهایی که امنیت و ثبات کشورهای همجواری منطقه و یا جهان را مورد تهدید قرار دهند، پناه نخواهند داد. باید سعی فراوان بعمل آید تا امکانات پیدایش و رشد خطرات ناشی از بنیادگرایی در کشور در منطقه خاموش گردیده و امکان صدور خطر و تهدید از سرزمین افغانستان، به خارج از محدوده کشورکاملن باید رفع گردد.

مبارزه علیه داعش باید توسط خود افغان ها و قوای امنیتی کشورما تداوم حاصل نماید. اعمار مجدد افغانستان، رسالت و مسوولیت خود ما افغانها محسوب می گردد. در این بخش، بیشترین اتکای ما با مکانات داخلی و ملی کشور باید صورت گیرد، اگر کشوری یا کشورهایی در امر احیای مجدد کشورما سهم می گیرند، از آن باید استقبال بعمل آید.

در شرایط و وضعیت کنونی، پیشبینی این مسأله دشوار بنظر می رسد که ایالات متحده، اراضی سرزمین کشورما را ترک گوید، چه، بسیاری ها استدلال می نمایند که ایالات متحده چرا و بکدام دلیل و برهانی به افغانستان لشکرکشی نمود و اکنون چرا و بکدام دلیلی، کشور ما را ترک می نماید؟

در مورد ورود و خروج قوت های رزمی و جنگی ایالات متحده و یا هر کشور دیگری، شخص واحد و منحصر بفردی به اتخاذ تصمیم نمی پردازد و هیچکسی هم اصلن نمی تواند در مورد خروج قطعی و کامل قوت های جنگی خارجی سخنی بمیان آورده. موضوع فوق بگمان اغلب که با گفتگوها و مذاکرات صلح با "طالب" ها پیوند دارد. نباید فراموش نمود که برای هیچیک از طرف های درگیر، امکان پیروزی و موفقیت از طریق تداوم جنگ موجود نبوده و نبرد و زد و خورد های کنونی اگر تداوم یابد، برنده و بازنده ای موجود نبوده، بلکه همه ی ما بازنده خواهیم بود.

بیست و سوم ماه فبروری سال ۲۰۱۹